



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Claiming compensation for the death of traffic accident victims by the guilty heir from the third party insurance policy

I. Ghasemi Gardeh*

Department of International Trade Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 07 July 2012

Revised: 10 August 2012

Accepted: 26 August 2013

Keywords

Third Party Motor Insurance;

Blood Money; Confusion;

Responsibility; Culprit.

ABSTRACT

Demanding compensation from insurance companies for the victims of driving accidents by the culprits of the accident is one of the insurance claims that are raised in the courts based on the insurance policy and the third party insurance law. Considering the protective aspect of the third party insurance law, the culprits believe that the scope of protection of this law includes any legal disputes arising from driving accidents and regardless of the rules of civil liability, the rule of action and other related grounds, the heirs of the guilty party are entitled to claim damages from the insurer. Are. On the other hand, in the opinion of insurers, although the basis of the third party insurance law is based on public interest, but considering the direct purpose of this law, which is to protect third parties, and considering the contractual aspect of third party insurance and the system governing civil liability, it should be considered Due to the impossibility of claiming by the culprit of the accident. Each of the parties is trying to defend their position by resorting to the contractual and legal aspects of third party insurance. This article, while reviewing the opinions, tries to measure the conformity and contradiction of each with the legal rules and social interests.

***Corresponding Author:**

Email: isaghasemi@gmail.com

DOI: [10.22056/ijir.2014.02.06](https://doi.org/10.22056/ijir.2014.02.06)



مطالبه دیه فوت قربانیان حوادث رانندگی توسط وارث مقصر از محل بیمه‌نامه شخص ثالث

عیسی قاسمی گرده*

گروه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، ایران

چکیده:

مطالبه دیه قربانیان حوادث رانندگی توسط مقصرین حادثه از شرکت‌های بیمه یکی از دعاوی بیمه‌ای است که به استناد بیمه‌نامه و قانون بیمه شخص ثالث در دادگاه‌ها مطرح می‌شود. مقصرین با توجه به جنبه حمایتی قانون بیمه شخص ثالث، اعتقاد دارند که گستره حمایتی این قانون هرگونه اختلاف حقوقی ناشی از حوادث رانندگی را دربرمی‌گیرد و بدون توجه به قواعد مسئولیت مدنی، قاعده اقدام و سایر میانی مربوط قائل به استحقاق وارث مقصر در مطالبه خسارت از بیمه‌گر می‌باشند. ازسوی دیگر به نظر بیمه‌گران گرچه میانی وضع قانون بیمه شخص ثالث ناشی از مصلحت عمومی است، اما با توجه به هدف مستقیم وضع این قانون که حمایت از اشخاص ثالث است و با توجه به جنبه قراردادی بیمه شخص ثالث و مجموعه نظام حاکم بر مسئولیت مدنی باید قائل به عدم امکان مطالبه توسط مقصر حادثه بود. هر کدام از طرفین با توسل به جنبه قراردادی و قانونی بیمه شخص ثالث در صدد دفاع از موضع خود می‌باشند که این مقاله ضمن بررسی نظرات، تلاش دارد مطابقت و مغایرت هریک را با قواعد حقوقی و مصالح اجتماعی بسنجد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۷ تیر ۱۳۹۱

تاریخ داوری: ۲۰ مرداد ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۰۴ شهریور ۱۳۹۲

کلمات کلیدی

بیمه شخص ثالث

دیه

مالکیت فی‌الذمه

مسئولیت

مقصر

*نویسنده مسئول:

ایمیل: isaghasemi@gmail.com

DOI: 10.22056/ijir.2014.02.06

مسئولیت مدنی در حقوق ایران تحت عناوین مختلف بررسی می‌شود که هرکدام نظام حقوقی خاص خود را دارد. برای نمونه قواعد حاکم بر اتلاف اموال در قانون مدنی، تقصیر مرتکب را در مسئولیت وی مؤثر نمی‌داند؛ درحالی‌که در چهارچوب قانون مسئولیت مدنی، صرفاً مقصر است که مسئول قلمداد می‌شود و باید جبران خسارت نماید. از طرفی در رویکرد قانون مجازات اسلامی درعین حال که تقصیر مقصر باعث مسئولیت در جبران خسارت است، در موارد استثنایی نیز همانند قواعد مربوط به عاقله از این اصل عدول شده است. در این میان مقررات قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث که از این پس از آن با عنوان قانون بیمه شخص ثالث یاد خواهیم کرد، قواعد نوینی را به سامانه حقوق مسئولیت مدنی افزوده است که در پی آن روابط و مسائل حقوقی تازه‌ای به وجود آمده که طرف‌های این رابطه بیمه‌گر، بیمه‌گذار و زیان‌دیده ثالث می‌باشند. مراجعه رانندگان مقصر در حوادث رانندگی به بیمه‌گران برای مطالبه دیه قربانیانی که در اثر تقصیر راننده کشته شده‌اند، یکی از مسائلی است که دادگاه‌ها و شرکت‌های بیمه با آن مواجه‌اند. عناصر تشکیل‌دهنده مناقشه مزبور عبارت‌اند از: بیمه‌نامه شخص ثالث به‌عنوان قرارداد بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر؛ تقصیر راننده در مرگ مورث خود به‌عنوان سبب ایجاد مسئولیت مدنی؛ مطالبه خسارت از بیمه‌گر توسط مقصر حادثه به‌عنوان ذینفع ثالث. بدیهی است هر یک از طرفین مناقشه مزبور با توسل به دو مسئولیت قهری و قراردادی از موضع خود دفاع می‌کنند که با بررسی نظرات و مبانی هریک و با سنجش و مطابقت آنها با قواعد حقوقی و خرد اجتماعی می‌توان به میزان وجاهت و درستی آنها پی‌برد.

انگیزه انتخاب موضوع و هدف تحقیق

مواردی که ضرورت پرداختن به موضوع و تبیین جایگاه بیمه‌نامه و قانون شخص ثالث و مقررات ارث و سایر مقررات مرتبط را مشخص می‌کند عبارت‌اند از:

دعای متعددی طرح شده علیه شرکت‌های بیمه از طرف مقصرین حوادث رانندگی جهت گرفتن غرامت فوت قربانیانی که در اثر تقصیر خواهان، کشته شده‌اند؛ صدور آرای متعارض دادگاه‌ها با تکیه صرف بر اطلاعات کلی از قانون بیمه شخص ثالث؛ استنباط نابجا از احکام قانونی مرتبط با حوادث رانندگی و افراط در تأکید به نگاه حمایتی قانون مزبور تا جایی که امکان نقض غرض قانون‌گذار در حمایت از زیان‌دیدگان را فراهم می‌آورد؛ تسری احکام خاص و استثنایی به موارد مشابه که برخلاف اصول تفسیر و استنباط است؛ خلط مباحث مربوط به ارث و حقوق قراردادی که هریک در عرض یکدیگر از اسباب مالکیت می‌باشند.

هدف این مقاله، روشن نمودن جایگاه نظریه تقصیر در قانون بیمه شخص ثالث و بررسی قوانین مرتبط با حوادث رانندگی است و همچنین تأکید بر این امر که دادگاه‌ها حتی هنگام اعمال قوانین در جهت حمایت از افراد جامعه باید پایبند به اصول تفسیر و مبانی حقوقی باشند و موجبات نقض غرض قانون‌گذار را به‌وسیله حمایت از مقصرین حوادث رانندگی به‌وجود نیآورند.

فرضیه‌ها

فرض نخست اینکه، تفسیر ماده ۸۸۰ قانون مدنی به نفع مدعی، در دعای که از سوی مقصر حادثه جهت گرفتن دیه متوفی علیه بیمه‌گر طرح می‌گردد، نابجا است. اگرچه ارث، قهری است، ولی در مواردی که مقصر حادثه ابتدا و بیمه‌گر متعاقباً مسئول پرداخت دیه است، مالکیت مافی‌الذمه به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهد به‌وقوع پیوسته و زمینه و بستر اعمال مقررات ارث را از بین می‌برد. به‌عبارت‌دیگر در این مقاله در صدد آن هستیم که اثبات نماییم، مطابق اصول کلی و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی (اعم از مسئولیت قهری و قراردادی) در مواردی که خود قاتل، وارث متوفی است، اساساً دیه ارث محقق نشده است تا بتوان به استناد ماده ۸۸۰ قانون مدنی آن را تملک کرد.

فرضیه دوم این است که نظریه موافقین پرداخت دیه متوفی به مقصر حادثه، نه تنها غیر منصفانه است بلکه با روح قوانین حاکم بر مسئولیت مدنی از جمله قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون بیمه شخص ثالث و سایر قوانین پراکنده در باب مسئولیت مدنی نیز مطابقت ندارد.

روش شناسی پژوهش

این مقاله ضمن بررسی آرای هرچند محدود دادگاه‌ها و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اخذ نظر بیمه‌گران و وکلای مدعیان تلاش دارد با یافتن تحلیلی درست از موضوع به راه‌حلی معقول و عادلانه جهت استفاده شرکت‌های بیمه و دادگاه‌ها دست یابد. لذا ابتدا به بیان نظر مخالفان و موافقان و ارزیابی هرکدام از نظرها پرداخته و سپس مسائل مؤثر بر موضوع را بررسی کرده تا مغایرت یا مطابقت این ادعا - یعنی مطالبه دیه از بیمه‌گر توسط مقصر حادثه - با قواعد حقوقی، قانون بیمه شخص ثالث و مصالح اجتماعی مشخص گردد.

مبنای مسئولیت مدنی و بیمه مسئولیت

نظریات حقوقی درباره مبنای مسئولیت مدنی

به‌طور سنتی مبنای مسئولیت مدنی بر دو نظریه استوار است: تقصیر و ریسک یا خطر (لورراسا، ۱۳۷۵). مبنای تقصیر در مواردی به‌کاربرده شده که قانون‌گذار جبران خسارت زیان‌دیده را مشروط و مقید به اثبات تقصیر و خطای مرتکب نموده است. یعنی در این نوع از مسئولیت، زیان‌دیده باید ارکان مسئولیت مدنی را اعم از ورود ضرر و رابطه سببیت اثبات کند. معیار تشخیص این نوع مسئولیت، رفتار مرتکب است، بدین معنی که وی در صورتی محکوم به جبران زیان وارده خواهد شد که رفتارش خطاکارانه شناخته شود.

بر عکس در مسئولیت مبتنی بر خطر که از آن به مسئولیت نوعی نیز یاد می‌شود، ضابطه تشخیص فقط، احراز رابطه سببیت بین رفتار مرتکب و زیان وارده است. اینکه عمل مرتکب مشروع بوده است یا نه، دخالتی در مسئولیت وی ندارد. در این نوع از انتساب مسئولیت فقط اثبات عوامل خارجی مانند قوه قهریه و فعل شخص زیان‌دیده است که مرتکب را از بار تعهد می‌رهاند.

با تحول اجتماع و ایجاد خسارات سنگین جانی، اگرچه به‌کاربردن نظریه خطر، بدون نیاز به اثبات تقصیر مرتکب باعث مسئول شناخته‌شدن وی می‌شد، ولی اغلب عجز مالی مرتکب، زیان‌دیده را بدون جبران باقی می‌گذاشت. این امر باعث شد که بستر و زمینه ایجاد سامانه جبران بدون قید و شرطی در برخی کشورها به‌وجود بیاید که از آن به نظریه تضمین حق، یاد شده است. طبق این نظریه هرکس حق دارد در جامعه خود سالم و ایمن زندگی کند و حقوق او تضمین شود. هیچ‌کس حق ندارد حقوق و سلامتی و ایمنی زندگی دیگران را به خطر اندازد. پس به محض اینکه حقی از بین رفت و زبانی وارد شد باید جبران شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷ الف). به علت حیاتی‌بودن سلامت افراد جامعه و تهدیدشدن سلامت آنان با اختراعات جدید، این نوع از حمایت عمومی از زیان‌دیده در خسارات جانی مرسوم شده است. در اجرای این نظریه، دولت، چتر حمایتی خود را بر سر زیان‌دیدگان گشوده و خسارت آنان را جبران می‌نماید (بوشهری، ۱۳۸۳). به‌نظرمی‌رسد قانون‌گذار در وضع ماده ۱۰ قانون بیمه شخص ثالث (محمود صالحی، ۱۳۷۲) و ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی به این نظریه توجه داشته است.

بیمه مسئولیت و بیمه شخص ثالث

هر شخصی امکان دارد به‌واسطه فعالیت حرفه‌ای که در اجتماع انجام می‌دهد زبانی به دیگری برساند. این زیان باعث می‌شود که دارایی مرتکب، به‌واسطه مطالبه زیان‌دیده جهت جبران خسارت، در معرض خطر قرار بگیرد. در صورتی که امکان دفع خطر موجود نباشد، بهترین واکنش به آن، انتقال خطر است. در نتیجه افراد، گرایش دارند تا مسئولیت خود را به شرکت‌های بیمه منتقل نمایند و بیمه‌های مسئولیت، تنوع فراوان یافته‌اند. پایه شکل‌گیری بیمه مسئولیت ماده ۴ قانون بیمه است که بیان می‌نماید: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی...». طرفین قرارداد بیمه مسئولیت عبارت‌اند از: بیمه‌گر به عنوان پوشش‌دهنده خطر؛ بیمه‌گذار به عنوان کسی که قرارداد بیمه را با بیمه‌گر منعقد نموده و حق بیمه را می‌پردازد؛ ثالث یا زیان‌دیده ناشی از عمل بیمه‌گذار. بنابراین با توجه به مؤلفه‌های یادشده، بیمه مسئولیت را می‌توان این‌چنین تعریف کرد: «قراردادی است که بر اساس آن یک طرف به عنوان بیمه‌گر و ارائه‌دهنده پوشش، متعهد می‌شود که در عوض گرفتن حق بیمه نسبت به جبران زیان‌های ناشی از فعالیت بیمه‌گذار اقدام نماید». در بیمه مسئولیت، «بیمه‌گذار» همان «بیمه‌شده» است. در واقع بیمه مسئولیت برای تأمین ضررهایی است که به‌واسطه اعمال بیمه‌گذار متوجه دارایی وی می‌گردد، اما انجام تعهد بیمه‌گر برای جبران خسارت بیمه‌گذار، مستلزم جبران خسارت از زیان‌دیده ثالث است. به‌عبارت‌دیگر، موضوع پوشش بیمه‌نامه مسئولیت، جبران زیان حاصل از اعمال و رفتار بیمه‌گذار است که باعث بروز زیان به اشخاص ثالث و تحقق مسئولیت مدنی خویش گردیده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج). مفهومی که از این عقد ارائه شد، در راستا و منطبق با ماهیت عقد بیمه است، زیرا عقد بیمه، یک عقد معلق بوده و اجرای آن از طرف بیمه‌گر منوط به تحقق خطر موضوع بیمه است. بنابراین در بیمه مسئولیت، پیروی کردن مسئولیت بیمه‌گر از مسئولیت بیمه‌گذار ناشی از ماهیت قرارداد بیمه است.

در میان انواع بیمه‌های مسئولیت، بیمه شخص ثالث اتومبیل از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است. از جمله خصوصیات مهم بیمه‌نامه شخص ثالث عبارت‌اند از:

اجباری بودن انعقاد این نوع از قرارداد هم برای بیمه‌گذار و هم برای بیمه‌گر (مهم‌ترین ویژگی بیمه‌نامه شخص ثالث)؛ حاکم بودن قانون خاص بر این نوع از بیمه مسئولیت؛ برتری مصلحت عمومی و حمایت از امنیت روانی اقبال جامعه در تصویب قانون بیمه اجباری بر منافع اقتصادی و جنبه‌های تجاری عقد بیمه؛ پیوستگی مسئولیت دارنده با خطرات ناشی از وسیله نقلیه موضوع بیمه که از این ویژگی، نویسندگان مختلف با عنوان مسئولیت نوعی، عینی، مسئولیت بدون تقصیر یا فرض تقصیر یاد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ب؛ لوراسا، ۱۳۷۵). در اینجا ما به اعتبار اینکه قانون‌گذار بدون نیاز به احراز تقصیر و صرفاً به دلیل ورود ضرر ناشی از وسیله نقلیه اقدام به شناسایی مسئولیت کرده است، اصطلاح مسئولیت نوعی را به کار خواهیم برد.

گاهی خصوصیات بیمه شخص ثالث منجر به برداشت‌ها و تفاسیر متناقضی از قانون مزبور شده است. باید تأکید کرد که خصوصیات مزبور گرچه ممکن است در میزان و گستردگی مسئولیت و تعهدات بیمه‌گر مؤثر باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج و) ولی باعث تغییر ماهیت و نوع بیمه نمی‌شوند و همچنان از آن به بیمه‌نامه مسئولیت یاد می‌شود.

تبصره ۱ از ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث، دارنده را «اعم از مالک یا متصرف وسیله نقلیه» در نظر گرفته است و هر یک به عنوان بیمه‌گذار می‌توانند اقدام به انعقاد قرارداد بیمه با بیمه‌گر نمایند. در بسیاری از موارد راننده مقصر، شخصی غیر از بیمه‌گذار بوده و قراردادی با بیمه‌گر ندارد، ولی طبق قانون بیمه شخص ثالث این مسئله باعث محرومیت زیان‌دیده از پوشش بیمه‌نامه نیست، زیرا بیمه‌نامه مسئولیت برای وسیله نقلیه خریدار شده و خطرات ناشی از وسیله نقلیه حین رانندگی را صرف‌نظر از اینکه چه کسی راننده آن باشد، پوشش می‌دهد. تعهد بیمه‌گر ناشی از مصلحت‌اندیشی قانون برای جبران خسارات زیان‌دیدگان ثالث است و این دال بر «ثالث» یا «بیمه‌شده» تلقی کردن راننده مقصر حادثه نمی‌شود.^۱ به همین دلیل راننده مقصری که بیمه‌گذار نیست و خسارت را به زیان‌دیده پرداخته است، به علت فقدان رابطه قراردادی نمی‌تواند مبلغ پرداخت‌شده به زیان‌دیده را از بیمه‌گر مطالبه کند. در حالی که در مورد بیمه‌گذار این محدودیت وجود ندارد. گرچه نظر مخالف نیز طرفداران کمی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج و) ولی نظر اخیر را تبصره ۲ و ۶، ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ تأیید می‌نماید.

گاهی در حوادث رانندگی، شخص کشته‌شده مورث راننده مقصر است. راننده مقصر به استناد بیمه‌نامه شخص ثالث و ماده ۸۸۰ قانون مدنی که قتل غیر عمدی را مانع ارث نمی‌داند، جهت اخذ دیه متوفی علیه شرکت بیمه‌گر طرح دعوا می‌نماید. در چنین مواقعی، صرف‌نظر از اینکه راننده مقصر، بیمه‌گذار باشد یا خیر، در مورد ثالث محسوب‌شدن وی، اختلاف نظر وجود دارد. اینکه بیمه‌گر موظف به پرداخت دیه متوفی به مقصر حادثه می‌باشد یا خیر، هر کدام موافقان و مخالفانی دارد که در بخش‌های پیش رو به این اختلاف خواهیم پرداخت.

نظر موافقان پرداخت

این گروه مبنا و اساس پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر را الزام قانونی می‌دانند. از دیدگاه آنها فلسفه وجودی قانون بیمه شخص ثالث بنابر مصالح اجتماعی، جبران نسبی ضرر زیان‌دیده یا خانواده وی و همین‌طور جلوگیری از زیان مالی شدید مقصر حادثه است و در صورتی که مقصر حادثه خود در جرگه خانواده قربانی قرار بگیرد، وی هم تحت این پوشش قرار خواهد گرفت، زیرا با توجه به منطوق استدلال یادشده، مقصر حادثه در هر دو گروه مورد حمایت قانون قرار دارد و به طریق اولی باید به‌عنوان حمایت‌شونده از دو سو از حکم این قانون بهره‌مند باشد. از طرفی با توجه به اینکه مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی فقط قتل عمد مانع ارث می‌باشد و قتل در حوادث رانندگی، قتل عمد محسوب نمی‌شود، لذا راننده مقصر از دیه مورث مقتول خود محروم نشده و ارث می‌برد.

از سوی دیگر ویژگی مهم بیمه مسئولیت منعقد شده تحت قانون بیمه شخص ثالث که از آثار تعهد به نفع شخص ثالث می‌باشد، امکان مطالبه مستقیم زیان‌دیده از بیمه‌گر است (کاتوزیان، ۱۳۷۶). بنابراین با وجود این امکان فرقی نمی‌کند که چه کسی (حتی اگر مقصر حادثه باشد) در جایگاه زیان‌دیده به بیمه‌گر مراجعه نماید. بیمه‌گر بنابر وظیفه قانونی و قراردادی ملزم به پرداخت خسارت است و این مسئله که بیمه‌گر از جانب چه کسی پرداخت می‌کند آنچنان محل پرسش نیست؛ مالک، راننده یا هر دارنده دیگر که قرارداد بیمه مسئولیت را با بیمه‌گر منعقد

^۱ ذکر این نکته شاید لازم است که بیمه‌نامه شخص ثالث دارای پوشش حوادث سرنشین نیز است که برای جبران خسارات جانی راننده مقصر حادثه پیش‌بینی شده است و مباحث مربوط به این پوشش نباید با پوشش بیمه‌نامه مسئولیت در قبال ثالث، آمیخته شود.

کرده باشد، بیمه‌نامه برای وسیله نقلیه خریداری شده است (ماده یک قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷) و بیمه‌گر به موجب قانون بیمه شخص ثالث ملزم به جبران خسارت وارده ناشی از وسیله نقلیه مورد بیمه است.

در واقع مطابق ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث، صرف نظر از اینکه طرف عقد بیمه چه شخصی باشد، بیمه‌نامه برای وسیله نقلیه خریداری شده و پرداخت بیمه‌گر توأمان بنا بر تعهدات قراردادی و قانونی صورت می‌گیرد. لذا مبانی نظریه خطر بر ماده ۱ بیمه شخص ثالث حاکم است و خسارت از محل بیمه‌نامه به هر کسی که زیان دیده قلمداد شود، قابل پرداخت است. این در حالی است که مقنن در ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها پا را فراتر نهاده و از نظریه تضمین حق پیروی کرده است و بیمه‌گر را در هر صورتی حتی با تقصیر زیان دیده موظف به جبران خسارت کرده است. در واقع موافقان پرداخت خسارت به مقصر حادثه با تمسک به قوانین یادشده و این امر که بیمه‌نامه برای وسیله نقلیه خریداری شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج) با تسری مسئولیت نوعی دارنده به بیمه‌گر، به محض ورود خسارات ناشی از وسیله نقلیه، پوشش موضوع بیمه را محقق شده فرض می‌کنند و خسارت را از بیمه‌گر قابل مطالبه می‌دانند، حتی اگر این مطالبه از سوی مقصر حادثه صورت گیرد.

همچنین از نظر موافقان پرداخت دیه، اگرچه اصولاً بیمه شخص ثالث، بیمه‌نامه مسئولیت است اما قرارداد بیمه شخص ثالث علاوه بر ویژگی پوشش مسئولیت، واجد ویژگی‌های دیگری نیز است. این بیمه‌نامه دارای ویژگی‌هایی متمسک از بیمه‌نامه مسئولیت و حوادث است و تأکید صرف بر بیمه مسئولیت و نادیده گرفتن ویژگی‌های دیگر این بیمه‌نامه مخالف روح حاکم بر قانون بیمه شخص ثالث است. هدف این قانون جبران خسارت زیان دیده است و اگر با تفسیر بیمه‌نامه در چهارچوب بیمه‌نامه مسئولیت امکان پرداخت نباشد با یاری گرفتن از سایر ویژگی‌های بیمه‌نامه می‌توان خسارت را پرداخت نمود، زیرا در بیمه حوادث زیان وارده حتی اگر ناشی از قصور خود بیمه‌گذار باشد قابل جبران بوده و در سایر بیمه‌های اشخاص نیز جز در موارد استثنایی خسارت ناشی از خطای بیمه‌گذار قابل جبران است. بنابراین پرداخت خسارت از طرف بیمه‌گر به مقصر حادثه اگر هم با ویژگی مسئولیت بیمه‌نامه منافات داشته باشد، منافاتی با خصوصیت پوشش حوادث ندارد.

نظر مخالفان پرداخت

بیمه، قرارداد انتقال ریسک و معلق به تحقق خطر است، یعنی با وقوع حادثه زیانبار، مسئولیت بیمه‌گر در جبران خسارت محقق می‌شود. در میان انواع قراردادهای بیمه، موضوع پوشش بیمه مسئولیت، جبران خسارت‌هایی است که از کردار بیمه‌گذار ناشی شده و به اشخاص ثالث آسیب رسانده باشد. مسلماً این بیمه‌نامه خسارت‌های مالی و جانی وارده به خود بیمه‌گذار را دربر نمی‌گیرد و این خسارات خارج از چهارچوب بیمه مسئولیت است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج). هدف قانون بیمه شخص ثالث نیز پوشش زیان‌های وارده به افراد ثالث است و امکان جبران خسارت از مقصر حادثه به استناد قانون بیمه شخص ثالث و بیمه‌نامه مسئولیت وجود ندارد. در واقع بیمه مسئولیت در بستر ارکان مسئولیت مدنی صادر می‌شود و همانطور که از نظر حقوق حاکم بر مسئولیت مدنی مشخص است، اشخاص در مقابل خودشان مسئول نیستند و در این خصوص بیمه‌نامه نیز پوشش ندارد. این مسئله از نظر فقهی هم مورد تأیید است، زیرا بر پایه «قاعده اقدام»، شخص به واسطه خطای خودش نمی‌تواند از کسی مطالبه خسارت نماید. رأی شعبه ۱۹ دادگاه بدوی تهران در دعوی م.ک علیه شرکت بیمه ایران مؤید این نظر است. در این پرونده خواهان، مقصر حادثه‌ای بود که منجر به قتل فرزند خود شده بود و به استناد قانون بیمه شخص ثالث، تقاضای دریافت دیه از شرکت خوانده را داشت که دادگاه مقرر نمود: «... زیان‌رساننده نمی‌تواند دریافت‌کننده خسارت باشد... لذا دادگاه دعوی خواهان را متکی به مبانی حقوقی و قانونی ندانسته و مستنداً ... حکم به بطلان دعوی وی صادر...» (دعوی م.ک علیه شرکت بیمه ایران، ۱۳۹۰).

به نظر این گروه مبنای پرداخت خسارت در قانون بیمه شخص ثالث هیچ شباهتی با مبنای ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها ندارد. حکم ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها حکمی خاص است؛ زیرا بر هیچ اصل و تحلیل حقوقی مبتنی نیست. صرفاً مصلحت اجتماعی و اقتصادی مبنای این ماده بوده است، زیرا مطابق این ماده حتی اگر بیمه‌گذار مقصر حادثه نباشد باز هم بیمه‌گر مسئول جبران خسارات زیان دیده است. در حالی که قانون بیمه شخص ثالث این چنین نیست، زیرا حقوقدانان و نیز رویه دادگاه‌ها قانون بیمه شخص ثالث را در تعامل و رابطه با قوانین دیگر و قواعد عمومی مسئولیت تحلیل کرده و مورد استناد قرار می‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۱). احراز مسئولیت به وسیله دادگاه صورت می‌گیرد و پس از ارائه دادنامه صادره و اثبات مسئولیت راننده به واسطه استفاده از وسیله نقلیه است که بیمه‌گر دیه را پرداخت می‌کند. بنابراین از آنجاکه ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها بر خلاف مبانی مسئولیت مدنی و مبانی مورد نظر قانون بیمه شخص ثالث است، حکمی استثنایی بوده و به موارد غیر، تسری پیدا نمی‌کند و در تعیین نظام حقوقی حاکم بر بیمه شخص ثالث، نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد.

امکان مراجعه مستقیم زیان دیده به بیمه‌گر علاوه بر اینکه نوعی تسهیل قانون‌گذار به خاطر مصالح اجتماعی است (خدابخشی شلمزاری، ۱۳۸۴)، مبتنی بر تحلیل حقوقی نیز است. چرایی این سخن در ماهیت عقد بیمه مسئولیت نهفته است؛ بیمه‌گر متعهد به پرداخت خسارت

ناشی از مسئولیت بیمه‌گذار است و بدون مطالبه خسارت، احراز مسئولیت میسر نیست و بدون احراز این مسئولیت، امکان جبران خسارت هم وجود ندارد، زیرا بدون ارائه مدارک دال بر مسئولیت بیمه‌گذار به بیمه‌گر، احراز مسئولیت بیمه‌گذار ممکن نیست و در واقع به همراه همین مطالبه و ارائه مدارک است که زیان‌دیده کار احراز مسئولیت را انجام می‌دهد. ورود خسارت به زیان‌دیده از طرف بیمه‌گذار باعث می‌شود بیمه‌گذار به صورت بالقوه مسئول جبران خسارت زیان‌دیده شود ولی تا زمانی که زیان‌دیده از وی خسارت را مطالبه نکرده است، ضرری دارایی بیمه‌گذار را تهدید نمی‌کند. با مطالبه زیان‌دیده، موضوع قرارداد بیمه مسئولیت یعنی تهدید دارایی بیمه‌گذار از حالت قوه به فعل در می‌آید. به عبارتی همیشه این احتمال وجود دارد که زیان‌دیده جبران خسارت خود را مطالبه ننماید (محمود صالحی، ۱۳۸۳). بنابراین امکان مراجعه مستقیم به بیمه‌گر باعث حذف حلقه مسئولیت مقصر اصلی حادثه نمی‌شود و صرفاً تسهیل قانون‌گذار برای جبران خسارات زیان‌دیده است و محملی برای انتفاع مقصر از قصور خویش محسوب نمی‌شود.

در مورد ویژگی‌های خاص بیمه شخص ثالث که دارای جنبه‌های چندگانه اعم از بیمه‌نامه‌های مسئولیت و حوادث است، گفته شده اصولاً بیمه شخص ثالث همانطور که از نام آن پیداست بیمه‌نامه مسئولیت و پوشش آن برای افراد ثالث است، ولی قانون‌گذار در موارد خاصی بنابر مصالحی (تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷) آن را مشمول بیمه حوادث نموده است. در غیر موارد مزبور همچنان قواعد بیمه مسئولیت بر بیمه‌نامه شخص ثالث حاکم است.

ایراد دیگر بیمه‌گران به ادعای پرداخت خسارت از محل بیمه‌نامه شخص ثالث، تحقق مالکیت مافی‌الذمه است. جمع دو عنوان بدهکار و طلبکار در یک شخص یا جمع آمدن دو وصف طلب و بدهی در یک دارایی، شرایطی است که باعث تحقق مالکیت مافی‌الذمه می‌شود. با توجه به اینکه مالکیت مافی‌الذمه سبب می‌شود تا بدهکار ذمه خویش را مالک شود، بنابراین همین تداخل دارایی‌ها باعث برائت او و سقوط تعهد است (کاتوزیان، ۱۳۷۹). در موضوع اختلاف نیز مقصر حادثه که خود هم بدهکار دیه و هم اولیای دم قربانی و مستحق اخذ دیه است، مالک فی‌الذمه خود شده و تعهد وی به پرداخت دیه ساقط می‌شود و شرکت بیمه نیز با سقوط مسئولیت متعهد اصلی، مسئولیتی برای پرداخت ندارد.

ارزیابی نظرات

با توجه به استدلال موافقان و مخالفان به‌نظر می‌رسد یافتن مبنای الزام بیمه‌گر به جبران خسارت می‌تواند مشکل‌گشا باشد. می‌دانیم که بیمه‌گران مطابق قانون بیمه شخص ثالث و قرارداد بیمه‌نامه شخص ثالث و در قالب مقررات دیه مندرج در قانون مجازات اسلامی اقدام به جبران خسارت می‌نمایند. یعنی مبنای تعهدات بیمه‌گران، ترکیبی از الزامات قانونی و قراردادی است. لذا بررسی موضوع تحت هر یک از الزامات مزبور ما را در یافتن پاسخ یاری می‌رساند.

از لحاظ جایگاه قانون بیمه شخص ثالث

از دیدگاه کلاسیک مسئولیت مدنی و قاعده اقدام، برای مقصر نمی‌توان حقی قائل بود. با وارد شدن منبع جدیدی به نام قانون بیمه شخص ثالث و وارد شدن نقش بیمه‌گر در وادی پرداخت خسارت، تردیدها آغاز می‌شود، زیرا این بار پرداخت‌کننده و گیرنده دیه یک شخص نیستند و بیمه‌گر از باب پوشش اجتماعی و اجباری پرداخت می‌کند و مقصر، مدعی دریافت آن است. بنابراین باید مشخص گردد که یک حادثه تا چه حدودی در حیطه پوشش ضرورت اجتماعی مستتر در قانون بیمه شخص ثالث است و چه زمانی باید از منابع کلاسیک مسئولیت مدنی کمک گرفت.

در قانون سال ۱۳۴۷ نخست، دارنده، مسئول شناخته می‌شد و سپس تأمین آن خسارت برعهده شرکت بیمه‌گر نهاده می‌شد. در حالی که ماده ۱ قانون اصلاح بدون اینکه به مسئولیت دارنده کوچک‌ترین اشاره‌ای داشته باشد، بیمه‌گر را مکلف به پرداخت نموده است. در نگاه نخست به ماده ۱ بیمه شخص ثالث می‌توان نتیجه‌گیری نمود که از نظریه خطر پیروی کرده است؛ حذف صدر ماده ۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷ در قانون اصلاح مصوب ۱۳۸۷ نیز مؤید این استنباط است. ولی باید گفت که وجود تبصره ۲ ماده ۱ که اشعار می‌دارد: «مسئولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است، نمی‌باشد.» موادی مانند ماده ۵ در قانون سال ۱۳۴۷ شخص ثالث و ماده ۶ و ۵ در قانون جدید مبنی بر مراجعه به مقصر حادثه؛ همچنین شیوه پرداخت خسارت از جمله مراحل صدور حکم به محکومیت مقصر در حوادث رانندگی و احراز تقصیر وی از سوی دادگاه، همگی نشان‌دهنده این است که قانون‌گذار و رویه قضایی از نظریه خطر یا تضمین حق به‌طور مطلق پیروی نکرده‌اند. چون با شناسایی نظامی که در آن بدون احراز مسئولیت مقصر بتوان

به‌وسیله بیمه به جبران خسارت پرداخت، جامعه با سیل سهمگینی از افرادی مواجه می‌شود که با سهل‌انگاری، جان تک‌تک افراد اجتماع را تهدید می‌کنند. این امر باعث گسترش حوادث رانندگی و نقض غرض قانون‌گذار خواهد شد (خدابخشی شلمزاری، ۱۳۸۴) و در نهایت تمام بنیانی که قانون بیمه شخص ثالث از لحاظ حفظ مصلحت عمومی و حمایت از امنیت خاطر مردم بر آن بنا نهاده شده، فرو خواهد ریخت (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج). بنابراین همان مصلحت اجتماعی که نسبت به جبران خسارت زیان‌دیده در قانون مزبور وجود دارد در مورد پیشگیری و جلوگیری از گسترش خسارات نیز وجود دارد.

ازسوی دیگر باید گفت که هدف وضع قانون بیمه شخص ثالث برای جبران خسارت اشخاص ثالث بوده و طبق صراحت تبصره ۶ ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۷۸ امکان قرار گرفتن راننده مقصر حادثه در جرگه شخص ثالث وجود ندارد. لذا استفاده از پوشش بیمه‌نامه شخص ثالث نیز- حتی با تفاسیر ارائه‌شده در خصوص مصالح اجتماعی- برای راننده مقصر میسر نیست.

در خصوص حذف صدر ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث اجباری سال ۱۳۴۷ نیز اگر نسبت کم دقتی را به قانون‌گذاران وارد ندانیم، باید گفت که از جهت پرداختن به اصل موضوع که حمایت بیمه‌ای از زیان‌دیدگان است و از جهت قصد قانون‌گذار در حل مشکلات اجرایی قانون بیمه اجباری پیشین، قابل توجیه است. از طرفی تبصره ۲ ماده ۱ قانون سال ۱۳۸۷ مسئول نهایی حادثه را کسی می‌داند که حادثه منتسب به فعل یا ترک فعل اوست، لذا تعیین مسئول حادثه از نظر قانون‌گذار حائز اهمیت بوده است. در واقع قانون‌گذار با آنکه قصد جبران خسارت از زیان‌دیده را داشته برای جلوگیری از سوء استفاده رانندگان مقصر از بیمه‌نامه شخص ثالث همچنان پایه و مبنای الزام بیمه‌گر را نظریه تقصیر قرار داده است.

مضافاً اینکه بیمه‌گر یک شخص حقوقی است و به همان اندازه که دارای تکالیف اجباری در قوانین بیمه‌ای است، دارای حقوقی نیز است. در واقع مطابق قانون اساسی و قوانین موضوعه، بیمه‌گر جز در مواردی که طبیعتاً با ماهیت شخص حقوقی معارض است، دارای همه حقوق شناخته‌شده برای اشخاص حقیقی است (ماده ۵۸۸ قانون تجارت). بنابراین اگر قانونی که هدف آن حمایت از زیان‌دیدگان است، تبدیل به ابزاری برای انتفاع خطاکاران جامعه شود، بیمه‌گر نیز مانند هر شخص حقیقی دیگری می‌تواند، با استناد به قواعد مسئولیت مدنی، خود را از تعهدات ناعادلانه برهاند.

از لحاظ مقررات حاکم بر دیه به‌عنوان خسارت

می‌دانیم که دیه ماهیتی دوگانه دارد؛ از طرفی دیه مجازات است، زیرا برای جرم تعیین گردیده و ازسوی دیگر به زیان‌دیده پرداخت می‌شود که چهره خسارت را دارد.

در اینجا دیه را باید خسارت تعریف کرد، زیرا مجازات کیفری به علت مخالفت با نظم عمومی اساساً قابلیت قرار گرفتن تحت پوشش بیمه را ندارد و دیه مقرر توسط دادگاه کیفری برای حوادث رانندگی صرفاً دارای جنبه خسارتی و مدنی است. بنابراین دیه پرداختی توسط شرکت بیمه‌گر باید در چهارچوب مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج).

دیه از مقصر حادثه گرفته می‌شود و قواعد حاکم بر دیه از مبانی تقصیر پیروی می‌کند. در واقع طبق مقررات دیه به‌جز در موارد استثناء همچون بحث عاقله نمی‌توان از کسی غیر از مقصر، دیه را مطالبه نمود. تعهدات بیمه‌گر در بیمه‌نامه شخص ثالث از سیستم پرداخت دیه قانون مجازات اسلامی پیروی می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ب). در سیستم‌های جبران خسارت اغلب کشورها میزان خسارت بدنی از ابتدا مشخص نیست و پس از حادثه و رسیدگی و با سنجش عوامل مختلف از جمله میزان درآمد، هزینه‌های احتمالی ناشی از صدمات روحی و... معین می‌شود (نوذری، ۱۳۸۸). لذا با وجودی که بیمه‌نامه، سقف مشخصی دارد ولی میزان خسارت احتمالی تعیین‌شده در صورت مرگ یا آسیب‌دیدن فرد ثالث و اینکه سقف بیمه‌نامه، میزان خسارت تعیین‌شده را پوشش خواهد داد یا نه معلوم نیست. در ایران میزان خسارت بدنی در قالب دیه از پیش تعیین شده است و تنها احراز میزان آسیب، مواضع آسیب‌دیده، انتساب ورود خسارت به مقصر و احراز تقصیر توسط پزشکی قانونی و دادگاه صورت می‌گیرد. بیمه شخص ثالث این میزان را پوشش می‌دهد و معمولاً هر ساله بیمه‌گران، سقف تعهدات بیمه‌نامه را براساس نرخ اعلامی دیه بالا می‌برند و تعهداتشان نیز وفق مقررات دیه محقق می‌شود. بنابراین نظام حاکم بر مسئولیت بیمه‌گران از لحاظ فرایند پرداخت خسارت حوادث رانندگی از قواعد عمومی مسئولیت مدنی و مبانی تقصیر پیروی می‌کند. در واقع اگر مقصر حادثه خود تنها باقی‌مانده متوفی باشد، مسلماً نمی‌تواند در دادگاه کیفری برای اخذ دیه، علیه خویش شکایت نماید و چون در ایران، تعهد بیمه‌گر پرداخت دیه‌ای است که مقصر محکوم شده و پرداخت وی به پیروی از مقررات دیه صورت می‌گیرد، بنابراین مطالبه دیه توسط مقصر حادثه از بیمه‌گر، که گستره مسئولیتش جبران خسارات وارده توسط مقصر به دیگران است، با منع قانونی مواجه است.

از لحاظ قراردادی و تحقق مالکیت مافی‌الذمه

گرچه در رویه قضایی هنوز دیدگاهی مطرح نشده است که ایراد مالکیت مافی‌الذمه مطرح شده از سوی بیمه‌گران را پاسخ گوید، ولی در مقابل ایراد مالکیت مافی‌الذمه ممکن است این نظر بیان شود که اساساً مالکیت مافی‌الذمه باعث سقوط حق نیست، زیرا مالکیت مافی‌الذمه خصوصیات همسان با وفای به عهد و سایر موارد سقوط تعهد را ندارد. در وفای به عهد، تعهد اجرا می‌شود و امکان الزام متعهد به انجام دوباره تعهد وجود ندارد، بنابراین سقوط تعهد اثر انجام تعهد است، اما در مالکیت مافی‌الذمه آنچه که باعث شده امکان انجام تعهد نباشد، مانعی است که در راه اجرای تعهد به وجود آمده و اصل حق از بین نرفته است و با زوال مانع، اصل تعهد نیز بر می‌گردد و در اینجا مانع مربوط به مقصر به بیمه‌گر سرایت نمی‌کند. بنابراین ایراد مالکیت مافی‌الذمه وارد نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

طبق این استدلال چون مسئولیت بیمه‌گر ناشی از قانون است و پرداخت خسارت ناشی از وسایل نقلیه طبق قانون بیمه اجباری مستقیماً برعهده بیمه‌گر نهاده شده است و از آغاز برای مقصر، مسئولیتی متصور نمی‌باشد و نظر به اینکه مالکیت مافی‌الذمه «التزام به تأدیه» را ساقط می‌کند ولی اصل تعهد و مسئولیت را از بین نمی‌برد، بنابراین اصل تعهد باقی است و التزام به تأدیه هم که در اینجا از سوی قانون‌گذار برعهده بیمه‌گر نهاده شده است، با مانع مواجه نیست، لذا خسارت از بیمه‌گر به مقصر قابل پرداخت است.

به نظر می‌رسد که نظام حمایت از زیان‌دیدگان در قالب قرارداد بیمه مسئولیت (فرعی بودن مسئولیت بیمه‌گر) پذیرش استدلال یادشده را دشوار می‌نماید. زیرا برخلاف کشورهایمانند عراق (ماده ۱ بیمه اجباری عراق مصوب ۱۹۸۰) که هر اتومبیل خودبه‌خود حتی بدون وجود بیمه‌نامه نیز در قبال حوادث ناشی از آن بیمه است (پیروی از نظریه تضمین حق) در حقوق ایران قرارداد بیمه برای وسایل نقلیه منعقد می‌شود (امامی‌پور، ۱۳۸۰). وسیله نقلیه‌ای که بیمه‌نامه نداشته باشد، فاقد پوشش محسوب می‌شود. در واقع تعهدات بیمه‌گران علاوه بر پایه قانونی از پایه قراردادی نیز برخوردار است. به عبارت دیگر گرچه هریک از مبانی قانونی و قراردادی به تنهایی برای الزام بیمه‌گران لازم هستند ولی شرط کافی محسوب نمی‌شوند و باید توأمان محقق گردند.

از طرفی استدلال عدم اسقاط حق به واسطه مالکیت مافی‌الذمه در پاسخ به این پرسش که چگونه مورد تعهد قابل اجرا به نفع متعهد است، مشکل‌گشا نیست. زیرا با عوض شدن فردی که خسارت را می‌پردازد (ملتزم به تأدیه) مقصر همچنان متعهد اصلی باقی می‌ماند و جای متعهد و متعهدله عوض نمی‌شود. حتی اگر متعهد در جایگاه قائم مقام عام قربانی باشد و به فلسفه حمایتی قانون بیمه شخص ثالث و مسئولیت مستقیم بیمه‌گر در ماده ۱ قانون یادشده نیز استناد شود، باز همچنان تبصره ۲ و ۶ ماده ۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ مانع تکوین شخصیت متعهدله در شخص راننده مقصر و متعهد است و گرفتن خسارت از محل پوشش جانی بیمه‌نامه شخص ثالث برای مقصر ناممکن است.

از لحاظ مقررات ارث

ارث، حق بازماندگان نسبت به اموال متوفی است و تحقق آن با مرگ مورث است (ماده ۸۶۷ قانون مدنی) و نیازی به اعلام اراده یا عمل حقوقی خاصی ندارد. البته باید در نظر داشت که اصولاً بحث ارث و استحقاق یا عدم استحقاق وارث پس از بررسی و تعیین ذی‌نفع دریافت‌کننده و مشخص نمودن طلب و بدهی ترکه مشخص می‌شود و این امر منافاتی با خصوصیت قهری بودن ارث ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰)؛ زیرا مقررات ارث بر اموال به‌جا مانده از متوفی (ترکه) اعمال می‌شود و در جایی که هنوز مالی داخل در ترکه قرار نگرفته و حق ورثه نسبت به آن استقرار نیافته است، بی‌گمان اعمال مقررات ارث نیز بر آن سالبه به انتفاع موضوع است. وجود شخصیت حقوقی و مستقل ترکه این استدلال را قوت می‌بخشد، زیرا پس از مرگ متوفی به واسطه تقصیر راننده، وی بدهکار دیه به ترکه است و دیه در ترکه استقرار نیافته است (کاتوزیان، ۱۳۸۰). بنابراین با توجه به مطالب بخش پیشین در خصوص مالکیت مافی‌الذمه، سخن گفتن از توارث و توسل به مفهوم مخالف ماده ۸۸۰ قانون مدنی، مبنی بر اینکه قتل غیرعمدی مانع ارث نمی‌باشد، جایگاهی ندارد. زیرا گذشته از اینکه در قتل غیرعمد، ارث‌بردن قاتل از دیه مقتول بین فقها مورد اختلاف است (محمدی، ۱۳۶۰)، از نظر قواعد مسئولیت مدنی هم ارث‌بردن مقصر پذیرفتنی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۰). به نظر می‌رسد حتی با فرض اینکه قاتل غیرعمد قابلیت ارث‌بردن را داشته باشد، باز هم چون مقصر حادثه بوده و متعهد اصلی پرداخت خسارت است و باید دیه را به خودش به‌عنوان بازمانده متوفی پرداخت کند، به علت وقوع مالکیت مافی‌الذمه و سقوط تعهد، نوبت به اعمال قواعد توارث و ماده ۸۸۰ قانون مدنی نمی‌رسد. اختلافی هم که در فقه در خصوص استحقاق قاتل غیرعمد نسبت به دیه وجود دارد، ناخواسته از این موضع برخاسته است، زیرا خود قاتل که موظف به پرداخت دیه است، چگونه می‌تواند خودش از مبلغ پرداختی خودش ارث ببرد. در واقع منظور فقها در خصوص مباحث مربوط به ارث‌بردن قاتل غیر عمده، متوجه ماترک بجا مانده از متوفی بوده و در مقام بیان تشریح وضعیت ارث بوده‌اند، نه در

مقام بیان قواعد ضمان و مسئولیت. این نظر را یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر در دعوی ع.م علیه شرکت بیمه ایران به طور ضمنی پذیرفته است. در این دعوا که خواهان، راننده مقصر حادثه بود و باعث کشته شدن همسر و فرزند خود شده بود، دادگاه پژوهشی در نقض دادنامه بدوی مقرر داشت: «قتل غیر عمد بنا به فتاوی فقهای عظام مانع از ارث قاتل در خصوص دیه مترتبه است و توجهات فتاوی امام خمینی ره در جلد دوم تحریرالوسیله صفحه ۳۶۷ و فتاوی آقایان عظام محمدتقی بهجت، سیدعلی سینایی، لطفاله صافی گلپایگانی و محمدفاضل لنکرانی در سال ۱۳۸۱ رای صادره مخدوش بوده نقض و حکم به بی حقی وی صادر می گردد...» (دعوی ع.م علیه شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳۹۰). در واقع ماده ۸۸۰ قانون مدنی و نظریات فقهی مرتبط با آن صرفاً در مقام بیان عدم قابلیت ارث بردن قاتل عمد و امکان ارث بردن قاتل غیر عمد از ماترک مقتول بوده است، نه در مقام بیان تحقق حق یا تثبیت حقوق احتمالی قاتل در ترکه. به بیان دیگر ماده ۸۸۰ قانون مدنی در خصوص اینکه چه چیزی وارد در ترکه است و چه چیزی از آن خارج می باشد، سخن نمی راند؛ اینکه شخصیت بدهکار دیه و طلبکار دیه در یک شخص جمع شده است، ارتباطی به قواعد ارث ندارد. این امر مقدم بر اعمال مقررات ارث است و در بخش قواعد عمومی قراردادهای و در بخش مالکیت مافی الذمه مورد بررسی قرار می گیرد.

در اینجا ذکر این نکته مفید است که در صورت وجود وارثانی غیر از راننده مقصر حادثه، سهم آنان طبق مقررات ارث قابل پرداخت است و عدم استحقاق مقصر حادثه از دریافت خسارت به دیگر وراث تسری پیدا نمی کند.

نتایج و بحث

با بررسی قوانین مرتبط با تصادفات رانندگی اعم از قانون بیمه شخص ثالث، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی، در می یابیم که قصد قانون گذار در حفظ تعادل بین حمایت از زیان دیده و جلوگیری از گسترش خطرات با اعمال بینابینی نظریه تقصیر و خطر است. اصل مسئولیت بیمه گر در پرداخت خسارت توأمان به حکم قانون و قرارداد و به تبع مسئولیت نوعی دارنده، جهت جبران خطرات ناشی از وسیله نقلیه است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج). ولی میزان و حدود مسئولیت بیمه گر، صرف نظر از اینکه بیمه گذار وی چه کسی باشد، با حقوق و تعهدات راننده پیوند خورده است، زیرا حکم محکومیت نسبت به پرداخت دیه برای راننده صادر می شود. بنابراین می توان مسئله را در دو فرض مطرح ساخت؛ فرض اول آن است که راننده مقصر، بیمه گذار نیز هست و رابطه قراردادی با بیمه گر دارد. در این فرض با توجه به اینکه بیمه گذار در مقابل خود مسئول است، لذا به استناد مالکیت فی الذمه تعهد وی ساقط شده و بیمه گر نیز به تبع عدم مسئولیت بیمه گذار، مسئولیتی ندارد. حتی در این فرض می توان گفت که با توجه به ماهیت بیمه مسئولیت که خطر ناشی از مسئولیت مدنی بیمه گذار در قبال اشخاص ثالث را پوشش می دهد، ادعای جبران خسارت، خارج از پوشش بیمه نامه است.

در فرض دوم، راننده رابطه قراردادی با بیمه گر ندارد و بیمه گذار محسوب نمی شود. در ظاهر از آنجاکه در این فرض بیمه گر از جانب بیمه گذار خود پرداخت نمی کند، بنابراین نمی تواند به مالکیت مافی الذمه استناد نماید، زیرا اسقاط تعهد راننده در مقابل خودش، ارتباطی به وظیفه قانونی بیمه گر در قبال اشخاص ثالث ندارد. اما در این فرض نیز اگرچه مسئولیت بیمه گر، ناشی از خطر وسیله نقلیه و الزام قانونی است، ولی امکان مطالبه از وی منوط به بروز خطر موضوع قرارداد و تعیین میزان و حدود مسئولیت مقصر است، بنابراین زمانی که خود مقصر، تعهدی در پرداخت نداشته باشد؛ از دارنده نیز نمی تواند مطالبه کند، بیمه گر نیز تعهدی در پرداخت ندارد.

از طرفی استناد به ماده ۸۸۰ قانون مدنی توسط رانندگان مقصر جهت دریافت دیه مورث مقتول از بیمه گر، موجد نوعی پیش داوری است. زیرا پیش از آنکه مقصر، دیه را از ترکه طلبکار باشد، معادل آن را به ترکه بدهکار است. به بیان دیگر آنچه را که وی مدعی دریافت است، اصولاً به علت سقوط تعهد، وارد ماترک مورث وی نشده است تا مقصر بتواند از آن ارث ببرد.

بی شک این استدلال که فلسفه قانون بیمه شخص ثالث حمایت از زیان دیده ثالث است و چون دیه از طرف بیمه گر پرداخت می شود، بنابراین بدون توجه به اینکه مسبب حادثه چه کسانی باشند و اعم از اینکه در حادثه زیانبار دخالت داشته باشند یا نه بیمه گر موظف به پرداخت است؛ درست نمی باشد. زیرا مقصر حادثه از نظر این قانون ثالث محسوب نمی شود. از طرفی هنگام تفسیر قوانین به ویژه قانون بیمه شخص ثالث نباید راه افراط را در پیش گرفت و جنبه حمایتی قانون را تا آنجا گسترش داد که هدف و موضوع قانون که حمایت از اشخاص ثالث است، تغییر پیدا کند و به مقصرین حوادث نیز سرایت پیدا کند. از نظر حقوقی نباید بدون وجود حکم قانونی صریح، تفسیری مخالف غرض قانون گذار ارائه داد و موجبات به هم ریختن قواعد و اصول شناخته شده مسئولیت قهری و قراردادی را فراهم آورد. باید توجه کرد که در این قانون، زیان دیده، شخص ثالثی است که دخالتی در حادثه نداشته باشد. درغیراین صورت نباید از فردی که حادثه زیانبار اجتماعی محصول سهل انگاری و بی مسئولیتی وی است، طرفداری نمود و بی جهت موجبات انتفاع او را از تقصیر خویش فراهم ساخت. لذا در پرداخت خسارت از

محل بيمه شخص ثالث بايد رويه معقول و منصفانه‌اي درپيش گرفت و نبايد از ابزاري كه قانون گذار براي جلوگيري از بروز مشكلات اجتماعي در نظر گرفته است، براي مقاصد غير نظر مقنن استفاده نمود.

منابع و ماخذ

- امامی پور، م.، (۱۳۸۰). نگاهی به قانون بیمه شخص ثالث. فصلنامه صنعت بیمه، تابستان، صص ۵۶-۳۳.
- ایزائلو، م.، (۱۳۸۳). نظام جبران خسارت در بیمه مسئولیت مدنی. رساله دکتری، دانشگاه تهران، صص ۶-۱۵.
- بوشهری، ج.، (۱۳۸۳). حقوق جزا جبران خسارت، شرکت سهامی نشر، چ ۱، ص ۳۰.
- خدابخشی شلمزاری، ع.، (۱۳۸۴). دعوای مستقیم و رجوع زیان دیده به بیمه گر. مجله پژوهش‌های حقوقی، پاییز و زمستان، صص ۲۰۲-۱۹۰.
- دعوای ع.م علیه شرکت سهامی بیمه ایران، (۱۳۹۰). شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان فارس، رأی شماره ۹۰۰۹۹۷۷۱۲۰۱۰۱۴۶۸ مورخ ۹۰/۱۲/۲۷.
- دعوای م.ک علیه شرکت بیمه ایران، (۱۳۹۰). شعبه ۱۹ دادگاه بدوی تهران رأی شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۷۹۰۱۳۲۴ مورخه ۹۰/۱۲/۲۲.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۳، چ ۴، صص ۹-۳۷۸.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۷۹). نظریه عمومی تعهدات، انتشارات دادگستر، چ ۱، ص ۴۰۷.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۸۰). درس‌هایی از شفعه وصیت ارث، انتشارات دادگستر، چ ۲، صص ۱۱۰-۱۲.
- کاتوزیان، ن.، جنیدی، ل. غمامی، م.، (۱۳۸۱). مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، ص ۴۵.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۸۷) الف. مسئولیت مدنی، قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸، صص ۹۰-۱۷۰.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۸۷) ب. مسئولیت مدنی، مسئولیت‌های خاص و مختلط، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸، صص ۱۰۸-۹۷.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۸۷) ج. مسئولیت مدنی، بیمه مسئولیت، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، صص ۴۲-۷، ۲۵۸.
- لورراسا، م.، (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران: نشر حقوقدان، چ ۱، ص ۴۰.
- محمدی، الف.، (۱۳۶۰). قتل از موانع ارث است. مجله حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ش ۲۲، صص ۱-۲۱۰.
- محمود صالحی، ج.ع.، (۱۳۷۲). حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، چ ۱، صص ۱۸۴-۴۶.
- محمود صالحی، ج.ع.، (۱۳۸۳). حقوق بیمه، تهران: انتشارات پژوهشکده بیمه، چ ۳، ص ۳۳۴.
- نوذری، ن.، (۱۳۸۸). خسارات بدنی و قواعد حاکم بر جبران خسارت در حقوق انگلستان. مجله حقوقی داور، پاییز و زمستان، صص ۲۸-۳۰۳.